

اوضاع چین

تسه دون

www.iran-archive.com

بهاء ۷۰ ریال

شماره ثبت کتابخانه ملی
۱۷۹۱ / ۵۷۶۶/۵

www.iran-archive.com

انتشارات روند :

خیابان شاه چهار راه اردیبهشت پلاک ۱۱۹

مائو تسه دون

اوضاع گنونی

و
وظایف ما

www.iran-archive.com

اثر حاضر متن گزارشی است که رفیق مائو تسه
دون در تاریخ بیست و پنجم دسامبر ۱۹۴۷ به جلسه
کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که از تاریخ
۲۵ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷ در "یان جیا گو" از شهرستان
"می جی" واقع در شمال استان "شن سی" تشکیل
یافته بود، تقدیم نموده است. علاوه بر اعضاء و کاندیداهای
کمیته مرکزی که میتوانند شرکت کنند، رفقای مسئول
ناحیه مرزی "شن سی - گانسو - نینسیا" و "شان
سی-سوی یوان" نیز در جلسه حضور داشتند.
جلسه این گزارش را پس از بحث همراه با اثر دیگری
از رفیق مائو تسه دون تحت عنوان «نکاتی چند در باره
ارزیابی از اوضاع کنونی بین المللی» (به جلد چهارم از
«آثار منتخب مائو تسه دون» بزبان چینی مراجعه شود)
بتصویب رسانید. در قرارهای جلسه در مورد گزارش
رفیق مائو تسه دون تصریح شده است: "این گزارش

برای کار سیاسی، نظامی و اقتصادی سندی برنامه‌ای است که در سرتاسر دوره واژگونی دارودسته حاکم و ارتجاعی چانکایشک و استقرار چین دمکراتیک نوین اعتبار خود را حفظ میکند. تمام حزب و ارتش باید این سند را در ارتباط با کلیه اسناد منتشره در تاریخ دهم اکتبر ۱۹۴۷ (منظور «مانیفست ارتش آزادیبخش توده‌ای چین»، «شعارهای ارتش آزادیبخش توده‌ای چین»، «دستور درباره تجدید انتشار سه قاعده انضباطی و هشت ماده مقرراتی»، «برنامه قانون ارضی چین» و «قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره اعلام برنامه قانون ارضی چین») بطور جدی موردآموزش قراردهند و در کار عملی خود از آن دقیقاً پیروی نمایند. در اجرای سیاستهای مختلف، هر جائیکه با اصول اساسی این گزارش وفق ندهد، باید بلافاصله مورد اصلاح قرار گیرد. «سایر قرارهای مهم این جلسه عبارتند از: ۱ - جنگ انقلابی خلق چین باید با صرف تمام مساعی بطور پیوسته تا پیروزی کامل ادامه یابد، بدشمن نباید اجازه داده شود با مانورهای موزیانه (مذاکرات صلح) برای هجوم دوباره بخلق

فرصت نفس کشیدن ییابد. ۲- زمان تشکیل دولت انقلابی مرکزی هنوز فرا نرسیده است؛ ما قبل از اینکه بتوانیم این مسئله را مطرح کنیم، باید منتظر باشیم تا ارتش ما به پیروزیهای باز هم بزرگتری دست یابد. بهمین ترتیب اعلام قانون اساسی نیز مسئله ایست مربوط به آینده. جلسه علاوه بر این مسئله وجود بعضی از گرایشات ناسالم درون حزبی و همچنین برخی از سیاستهای مشخص در مورد اصلاحات ارضی و جنبش توده‌ای را بطور دقیق مورد بحث قرار داد. کمی بعد، نتایج این بحث از طرف رفیق مائو تسه دون در مقاله‌ای بنام «درباره برخی از مسایل مهم سیاست کنونی حزب» جمع‌آوری گردید. (مراجعه شود به جلد چهارم «آثار منتخب مائو تسه دون»، بزبان چینی)

کمیسیون کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
برای طبع و نشر آثار منتخب مائو تسه دون

جنگ انقلابی خلق چین اکنون به نقطه چرخشی رسیده است ؛ بدین معنی که ارتش آزادیبخش توده‌ای چین با دفع حملات قوای نظامی ارتجاعی چندین میلیونی چانکایشک - این سگ زنجیری ایالات متحده آمریکا - به تعرض رو نهاده است . ارتش آزادیبخش توده‌ای در همان نخستین سال جنگ ، یعنی از ژوئیه سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷ ، حملات چانکایشک را در چند جبهه در هم شکست و او را مجبور به اتخاذ موضع دفاعی نمود . ارتش آزادیبخش توده‌ای در سه ماهه اول سال دوم جنگ ، یعنی از ژوئیه تا سپتامبر سال ۱۹۴۷ ، تعرض خود را در سرتاسر کشور آغاز کرد و نقشه‌های ضد انقلابی چانکایشک را دایر بر ادامه گسترش دامنه جنگ به مناطق آزاد شده و نابودی

کامل این مناطق نقش بر آب ساخت . در حال حاضر عرصه عمده جنگ دیگر مناطق آزاد شده نیست ، بلکه سرزمینهای تحت حکومت گومیندان است ؛ نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای دامنه نبرد را به مناطق تحت حکومت گومیندان کشانده‌اند (۱) . ارتش آزادیبخش توده‌ای چین هم اکنون چرخ ضدانقلابی امپریالیسم آمریکا و نوکرانش - دسته راهزنان چانکایشک - را در خاک چین بعقب برگردانده و آنرا بسرایش نابودی سوق داده است و در عین حال چرخ انقلاب را در شاهراه پیروزی به پیش هدایت نموده است . این يك نقطه چرخش تاریخی است . این نقطه‌ایست که نمودار تغییر حکومت بیست ساله ضد انقلابی چانکایشک از پیدایش به زوال و همچنین نشانه انعطاف سلطه صد ساله امپریالیستها در چین از پیدایش به زوال است . این واقعه عظیمی است و عظمت آن بدلیل اینست که در يك کشور ۷۵۰ میلیون نفری رخ میدهد و مسلماً به پیروزی سرتاسری کشور خواهد انجامید . بعلاوه ، عظمت این واقعه

در اینستکه در مشرق زمین صورت میگیرد ، یعنی در منطقه‌ایکه بیش از يك میلیارد نفر (نیمی از جمعیت جهان) زیر یوغ ظلم و ستم امپریالیسم رنج میبرند . گذار جنگ آزادیبخش خلق چین از مرحله دفاع به مرحله تعرض شادی و خرسندی این ملل ستمدیده را برمی‌انگیزد و بانان الهام میبخشد و در عین حال بمثابة کمکی به خلقهای ستمدیده بسیاری از کشورهای اروپا و آمریکا که اکنون در حال مبارزه‌اند ، محسوب میشود .

۲

ما از همان روزیکه چانکایشك جنگ ضد انقلابی را برپا ساخت ، گفتیم که باید چانکایشك را درهم بشکنیم و بخوبی نیز قادر بانجام این امر هستیم . ما باید چانکایشك را شکست‌دهیم ، زیرا جنگی که او برپا کرده است ، جنگی است ضد انقلابی که

تحت فرماندهی امپریالیسم آمریکا علیه استقلال ملی چین و آزادی خلق چین متوجه است . پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست امپریالیسم ژاپون , وظایف خلق چین عبارت بودند از انجام اصلاحات دمکراتیک نوین در شئون سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی ، تحقق به وحدت و استقلال کشور ، تغییر سیمای چین از يك کشور فلاحی بیک کشور صنعتی . ولی بلافاصله پس از پیروزی دومین جنگ جهانی ضد فاشیستی ، امپریالیسم آمریکا و نوکرانش در کشورهای مختلف بر جای امپریالیسم آلمان و ژاپون و نوکرانشان نشستند و با تشکیل يك اردوگاه ارتجاعی علیه اتحاد شوروی ، علیه کشورهای دمکراتیک توده‌ای اروپا ، علیه جنبشهای کارگری کشورهای سرمایه داری ، علیه نهضت‌های ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و علیه آزادی خلق چین قد علم نمودند . در همین موقع بود که مرتجعین چین بسرکردگی چانکایشک ، درست همانند ”وان جین وی“ این سگ زنجیری امپریالیست‌های ژاپون ، بصورت عاملین امپریالیست‌های آمریکا درآمدند

و با فروختن چین به آمریکا و برافروختن آتش جنگ
بمنظور جلوگیری از پیشرفت امر آزادی خلق چین مبارزه
خود را علیه خلق چین آغار نمودند . در چنین شرایطی،
اگر ما از خود ضعف نشان میدادیم و بعقب می‌نشستیم،
و یا جرأت نمی‌کردیم با جنگ انقلابی به مبارزه قاطعانه
علیه جنگ ضد انقلابی برخیزیم ، چین به محاق ظلمت
و خاموشی فرومیرفت و آینده ملت ما برای همیشه
تباه می‌گردید . ارتش آزادیبخش توده‌ای چین تحت
رهبری حزب کمونیست چین در مقابل حملات
چانکایسک با عزم راسخ در راه جنگ میهن پرستانه و
عادلانه انقلابی گام گذارده است . حزب کمونیست
چین با ارزیابی دقیق اوضاع بین‌المللی و داخلی براساس
دانش مارکسیسم-لنینیسم دریافته است که نه فقط باید
بلکه بخوبی میتوان حملات مرتجعین داخلی و خارجی
را درهم شکست . هنگامیکه آسمان را پوششی از ابرهای
سیاه فرا گرفته بود، ما خاطر نشان ساختیم که این پدیده‌ای
موقتی است، ظلمت و تاریکی بزودی وداع خواهد گفت و
سپیده صبحگاهی مژده ورود خواهد داد. ژوئیه سال ۱۹۴۶،

هنگامیکه دسته راهزنان چانکایشك جنگ ضد انقلابی را در سراسر کشور بر پا ساختند، تصور میکردند که میتوانند ارتش آزادیبخش توده‌ای را در ظرف سه تا شش ماه درهم بشکنند. آنها با خود چنین حساب میکردند که ارتشی بالغ بر بیش از چهار میلیون نفر در اختیار دارند که عبارت است از دو میلیون نفر ارتش منظم، بیش از یک میلیون نفر ارتش غیرمنظم و بیش از یک میلیون نفر کارمند ادارات و واحدهای نظامی پشت جبهه، بعلاوه آنها برای تکمیل تدارکات خود جهت حمله از فرصت استفاده نمودند؛ شهرهای بزرگ را دو باره تحت کنترل خود درآوردند؛ منطقه‌ای را با جمعیت بیش از ۳۰۰ میلیون نفر ب زیر سلطه خود کشیدند؛ تمام تجهیزات ارتش يك میلیونی تجاوزی ژاپون را تصاحب نمودند و از دولت ایالات متحده آمریکا کمکهای نظامی و مالی هنگفتی اخذ کردند. آنها باز چنین میپنداشتند که ارتش آزادیبخش توده‌ای چین پس از این ۸ سال جنگ مقاومت ضد ژاپونی سخت فرسوده گشته و از نظر تعداد نفرات و تجهیزات بهیچوجه

بپای ارتش گومیندان نمیرسد ، و جمعیت مناطق آزاد شده چین فقط کمی بیش از صد میلیون نفر است که بخش وسیعی از آن هنوز از وجود نیروهای ارتجاعی و فئودالی پاك نگشته و اصلاحات ارضی در آنجا هنوز بطور عموم و اساسی انجام نیافته است و بالاخره ارتش آزادیبخش توده‌ای فاقد پشتگاه مستحکمی میباشد . درست در نتیجه يك چنین ارزیابی بود که دسته راهزنان چانکایشك علی‌رغم آرزوی خلق چین به صلح ، قرارداد آتش بس ژانویه ۱۹۴۶ بین گومیندان و حزب کمونیست (۲) را نقض و تصمیمات متخذه کنفرانس مشورتی سیاسی همه احزاب (۳) را زیر پا نهادند و جنگ ماجراجویانه‌ای را برپا ساختند . ما در همان موقع گفتیم که برتری قوای نظامی چانکایشك گذرا و عاملی است که فقط میتواند نقشی موقتی داشته باشد ؛ کمک امپریالیسم آمریکا نیز بهمین ترتیب عاملی است که فقط میتواند نقشی موقتی داشته باشد ، حال آنکه بعکس خصلت ضد خلقی جنگ چانکایشك و موضع گیری مردم عوامی هستند که نقش دائمی دارند . در این زمینه ،

ارتش آزادیبخش توده‌ای در موضع برتر قرار گرفته است .
ارتش آزادیبخش توده‌ای چین به جنگی میهن پرستانه ،
عادلانه و انقلابی برخاسته است و از اینرو مسلماً از
پشتیبانی مردم سراسر کشور برخوردار خواهد بود .
چنین است اساس سیاسی پیروزی ما بر چانکایشک . تجربیات
۱۸ ماه اخیر جنگ صحت این نظرات ما را کاملاً ثابت
کرده‌اند .

۳

در نتیجه پیکارهای ۱۷ ماه اخیر (از ژوئیه
۱۹۴۶ تا نوامبر ۱۹۴۷ ، آمار ماه دسامبر هنوز
در دست نیست) يك میلیون و ششصد و نود هزار نفر
از ارتش منظم و غیرمنظم چانکایشک کشته ، مجروح
یا اسیر شده‌اند که از میان آنها ۶۴ هزار نفر کشته یا
مجروح و يك میلیون و ۵۰ هزار نفر اسیر گردیده‌اند .
بدینسان ارتش ما توانست حملات چانکایشک را دفع
کرده و قسمت عمده مناطق آزادشده را حفظ کند و خود

به تعرض رو آورد . اگر مسئله را از نظر نظامی بررسی کنیم ، ما میتوانیم موفقیت‌های خود را مرهون اجرای استراتژی صحیح بدانیم . اصول نظامی ما بدینقرارند :

۱ - ابتدا حمله به دستجات پراکنده و منفرد دشمن و سپس حمله به قوای متمرکز و نیرومند دشمن .

۲ - ابتدا تصرف شهرهای کوچک و متوسط و مناطق وسیع روستائی و سپس تصرف شهرهای بزرگ .

۳ - هدف ، نابودی نیروی مؤثر دشمن است ، نه حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها . حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها نتیجه نابودی قوای مؤثر دشمن است ، و معمولاً يك شهر یا يك منطقه زمانی میتواند بخوبی حفظ یا بطور نهائی تصرف شود که چند بار دست بدست گشته باشد .

۴ - در هر نبرد باید نیروهای نظامی کاملاً برتر را متمرکز ساخت (دو ، سه و یا چهار و گاهی پنج و یا شش برابر نیروهای دشمن) ، قوای دشمن را باید از چهار طرف بحلقه محاصره درآورد و سعی در نابودی کامل آنان نمود ، بطوریکه حتی يك نفر هم فرصت

فرار نیابد . در شرایط خاص باید از شیوه فرودآوردن ضربات خسرده کننده بر دشمن استفاده کرد ، بدین معنی که ما باید با تمرکز همه نیروی خود از مقابل به دشمن حمله کنیم و درعین حال یک یا دو جناح آن نیز حمله بریم ، البته با این هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگر را تارومار کنیم تا ارتش ما بتواند بسرعت واحدهای خود را برای درهم کوبیدن سایر نیروهای دشمن بکار اندازد. ما باید از پیکارهای اصطکاکی که در آن برد ما از باخت ما کمتر و یا برد و باخت ما با یکدیگر مساوی هستند ، اجتناب ورزیم . بدین ترتیب با وجود اینکه ما در مجموع از نظر تعداد ضعیف هستیم ، ولی در هر عملیات جزئی و در هر عملیات اپراتیو مشخص برتری کامل را حفظ خواهیم کرد و این خود ضامن پیروزی ما در عملیات اپراتیو خواهد بود . ما با گذشت زمان ، در مجموع برتری خواهیم یافت و سرانجام کلیه نیروهای دشمن را نابود خواهیم ساخت .

• — بدون آمادگی قبلی و بدون اطمینان به

پیروزی نباید به هیچ نبردی دست زد ؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای اتخاذ تدارکات لازم و تضمین پیروزی در هر حالت موجود بین خود و دشمن بکار برد .

۶ - بگذار سبك رزمی تهوور داشتن درنبرد ، نترسیدن از قربانی دادن و نترسیدن از خستگی و پیکارهای مداوم (بمفهوم نبردهای پی در پی در زمان کوتاه و بدون استراحت) بشکند .

۷ - باید کوشید تا دشمن را در حین عملیات متحرك نابود کرد . در عین حال باید به تاکتیک حمله موضعی و تصرف استحکامات و شهرهای دشمن نیز توجه داشت .

۸ - در مورد حمله به شهرها ، باید تمام آن استحکامات و شهرهای دشمن را که نیروی دفاعی ضعیفی دارند ، فوراً تصرف نمود . در فرصت مناسب باید تمام استحکامات و شهرهای دشمن که دارای قدرت دفاعی نسبتاً متوسط اند ، در صورتیکه شرایط اجازه دهد، تصرف کرد ؛ در مورد تمام آن استحکامات و شهرهای

دشمن که قدرت دفاعی نیرومندی در اختیار دارند ، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد .
۹- ما باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزات غنیمتی دشمن و قسمت اعظم اسرای جنگی تکمیل کنیم . منبع عمده ذخایر نیروی انسانی و مادی ارتش ما جبهه های جنگ است .

۱۰- باید از فاصله بین دو عملیات جنگی برای استراحت و تنظیم و تعلیم واحدهای نظامی بخوبی استفاده کرد . مدت استراحت ، تنظیم و تعلیم برای اینکه بدشمن امکان نفس کشیدن داده نشود ، معمولاً نباید طولانی باشد .

اینها همه متدهای عمده ای هستند که ارتش آزاد یبخش توده ای جهت درهم شکستن چانکایشک بکار برده است . این متدها نتیجه آبدیدگی ارتش آزاد یبخش توده ای در جریان مبارزه طولانی علیه دشمنان داخلی و خارجی میباشند و با شرایط کنونی ما کاملاً مطابقت میکنند . دسته راهزنان چانکایشک و مستشاران نظامی امپریالیستهای آمریکا در چین این متدها را بخوبی میشناسند . چانکایشک در

تلاش برای یافتن طرقی جهت مقابله با این متدها بارها به تعلیمات نظامی ژنرالها و افسران عالی رتبه خود پرداخت و نشریات نظامی و اسنادیکه در جریان جنگ از ما به غنیمت گرفته بود ، برای مطالعه بین آنان توزیع کرد . مستشاران نظامی آمریکا استراتژی و تاکتیکهای گوناگونی برای نابودی ارتش آزادیبخش توده‌ای به چانکایشك پیشنهاد میکردند و علاوه بر تعلیم قوای نظامی چانکایشك ، آنها را با تجهیزات نظامی نیز مسلح میساختند . ولی هیچیک از این تلاشها نتوانست دسته راهزنان چانکایشك را از شکست نجات دهد ، زیرا استراتژی و تاکتیک ما بر اساس جنگ توده‌ای مبتنی است ؛ هیچ ارتش ضد انقلابی قادر به بکار بردن استراتژی و تاکتیک ما نیست . ارتش آزادیبخش توده‌ای کار سیاسی انقلابی پرتوان خود را بر اساس جنگ توده‌ای و بر اساس اصل وحدت ارتش و مردم ، وحدت فرماندهان و سربازان و همچنین تلاشی ارتش دشمن ، رشد و قوام داده است ؛ این خود یکی از عوامل مهم پیروزی ما بر دشمن است .

زمانیکه ما بخاطر مصونیت در مقابل ضربات مرگبار نیروی برتر دشمن و برای اعزام قوای نظامی خود به عملیات متحرك جهت نابودی دشمن بسیاری از شهرها را بمیل خود رها کردیم ، دشمنان ما از فرط شادی و خوشحالی سر از پا نمیشناختند . آنها این عمل را پیروزی خود و شکست ما بحساب میآوردند و از این ”پیروزی“ موقتی سخت سرمست گشته بودند . پانکایشك بعد از ظهر همان روزیکه شهر ”جان جیا کو“ را باشغال در آورد ، فرمان تشکیل مجلس ملی (۴) ارتجاعی را صادر کرد ، گوئی از این پس حکومت ارتجاعی وی چون کوه ”تای“ مستحکم گردیده است . امپریالیستهای آمریکا نیز از شدت خوشحالی در پوست خود نمیگنجیدند ، مثل اینکه توطئه شیطانی آنها در تبدیل چین بیک مستعمره آمریکا دیگر بدون هیچ مانع و رداعی صورت حقیقت بخود گرفته است . ولی باگذشت زمان ، لهجه چانکایشك و اربابان آمریکائی او شروع به تغییر کرد . اکنون تمام وجود دشمنان داخلی و خارجی را بدبینی فرا گرفته است . آنها

آه حسرت کشتان از بحران موجود شکوه و شکایت میکنند و دیگر اثری از وجد و طرب در سیمایشان خوانده نمیشود . طی ۱۸ ماه اخیر اکثر فرماندهان عالیرتبه چانکایشک در جبهه‌های مختلف بعثت شکست از کار معزول گردیده‌اند ، مانند : ”لیو چی“ (در ”جن جو“) ، ”سیو یو“ (در ”شیو جو“) ، ”او چی وی“ (در شمال ”کیان سو“) ، ”تانبو“ (در جنوب ”شاندون“) ، ”وان جون لیان“ (در شمال ”خه نان“) ، ”دوای مین“ و ”شیون شی خوی“ (در ”شن یان“) و ”سون لیان جون“ (در ”بی پین“) . ”چن چن“ رئیس ستاد کل چانکایشک که فرماندهی کل عملیات را برعهده داشت ، نیز از کار برکنار گردید و به فرماندهی جبهه شمال شرقی تنزل مقام یافت (۵) . ولی درست در همان وقتی که چانکایشک شخصاً بجای ”چن چن“ فرماندهی کل را برعهده گرفت ، اوضاع رو به تغییر نهاد و ارتش چانکایشک مجبور شد از حالت تعرضی به حالت دفاعی برود ، در صورتیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای از دفاع به تعرض گذر کرد . اکنون دیگر دارودسته مرتجع

چانکایشك و اربابان آمریکائی او حتماً باید به اشتباهات خود پی برده باشند . آنها مدت مدیدی پس از تسلیم ژاپون تمام مساعی حزب کمونیست چین را — که بیان کننده آرزوها و آمال خلق چین است — بخاطر صلح و علیه جنگ داخلی ، نشانه ترس و ضعف حساب میکردند . و بدین ترتیب به نیروی خود پربها داده و نیروی انقلابی را بهیچ میگرفتند و سرانجام با برافروختن آتش جنگ ماجراجویانه در دامی که خود ساخته بودند ، سرنگون گردیدند . محاسبات استراتژیک دشمنان ما کاملاً غلط از آب درآمد .

۴

در حال حاضر پشنگاه ارتش آزادیبخش توده‌ای چین از ۱۸ ماه پیش بمراتب محک‌تر گردیده است . علت اینستکه حزب ما با قطعیت تمام در صف دهقانان ایستاده و اصلاحات ارضی را بمرحله اجرا درآورده‌است . در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپونی ، بخاطر تشکیل

جبهه واحد ضد ژاپونی با گومیندان و وحدت کلیه
افرادیکه در آنزمان میتوانستند علیه امپریالیسم ژاپون
مبارزه کنند ، حزب ما سیاست ارضی گذشته خود را
دایر بر مصادره زمینهای مالکین برای تقسیم بین
دهقانان به تقلیل بهره مالکانه و بهره قرض تغییر داد .
این عملی کاملاً لزومی بود . پس از تسلیم ژاپون ،
دهقانان مصرانه طلب زمین میکردند و ما بموقع تصمیم
گرفتیم سیاست ارضی خود را یعنی سیاست تقلیل بهره
مالکانه و بهره قرض را به مصادره اراضی مالکین برای
تقسیم بین دهقانان تغییر دهیم . دستور مورخ ۴ ماه مه
۱۹۴۶ کمیته مرکزی حزب ما نشاندهنده این تغییر
است (۶) . سپتامبر سال ۱۹۴۷ حزب ما با تشکیل
کنفرانس ارضی سرتاسری کشور برنامه قانون ارضی
چین (۷) را بتصویب رساند که بلادرنگ در تمام
نقاط کشور بموقع اجرا گذاشته شد . این اقدام نه
تنها رهنمودهای «دستور چهارم ماه مه ۱۹۴۶» را
تأیید میکرد ، بلکه برخی از نکات مبهم سند مزبور را هم
بطور روشن اصلاح نمود . برنامه قانون ارضی چین که

اصل تقسیم سرانه و یکسان زمین را پیش‌بینی میکند ،
بر اساس اصل لغو سیستم ارضی استثمار فئودالی و نیمه
فئودالی و استقرار سیستم " زمین برای کشت کاران " .
استوار است (۸) . این کاملترین شیوه‌ای است که
نظام فئودالی را ریشه کن میسازد و به بهترین وجهی
با خواستهای توده‌های وسیع دهقانان چین مطابقت
میکند . بمنظور اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی ،
نه فقط باید در روستاها اتحادیه‌های دهقانی که وسیعترین
توده‌های کارگران روستائی و دهقانان فقیر و دهقانان
میانه حال را دربر میگیرد ، و همچنین کمیته‌های منتخب
آنها را تشکیل داد ، بلکه باید قبل از همه انجمن‌های
دهقانان فقیر متشکل از دهقانان فقیر و کارگران روستائی و
کمیته‌های منتخب آنانرا که هسته رهبری کننده تمام
مبارزات دهقانی هستند ، ایجاد کرد . این اتحادیه‌های
دهقانی و انجمنهای دهقانان فقیر بمثابة ارگانهای
قانونی در اجرای اصلاحات ارضی محسوب میشوند .
سیاست ما چنین است : اتکاء به دهقانان فقیر ،
اتحادپایدار با دهقانان میانه حال و الغاء سیستم

استثمار فتودالی و نیمه فتودالی مالکین و دهقانان مرفه طراز کهن . به مالکین و دهقانان مرفه نباید بیش از سهم توده های دهقانان ملك و دارائی داده شود . اما آن سیاست نادرست چپ افراطی سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۴ ، یعنی " به مالکین زمین داده نشود و به دهقانان مرفه زمین نامرغوب داده شود " نیز دیگر بهیچوجه نباید تکرار شود . با آنکه نسبت جمعیت مالکین و دهقانان مرفه در نقاط مختلف روستائی یکی نیست ، مع الوصف در مجموع از ۸ درصد (بر حسب خانوار) تجاوز نمیکند ، در حالیکه املاك آنها معمولاً ۷۰ تا ۸۰ درصد تمام زمینهای مزروعی را تشکیل میدهند . از اینرو اصلاحات ارضی ما فقط علیه عده معدودی متوجه است ؛ آن خانواده های دهقانی که میتوانند و باید در جبهه واحد اصلاحات ارضی شرکت کنند ، تقریباً بیش از ۹۰ درصد جمعیت روستاها را تشکیل میدهند . در اینجا باید دو اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد : اولاً ، تأمین خواستهای دهقانان فقیر و کارگران روستائی ، و این اساسی ترین وظیفه

اصلاحات ارضی است ؛ ثانیاً ، پیوند محکم با دهقانان
میانہ حال و حفظ مصالح آنان در مقابل تجاوز .
چنانچہ ما از این دو اصل اساسی پیروی کنیم ،
مسلماً قادر خواهیم بود وظایف خود را در اصلاحات
ارضی بطور موفقیت آمیز انجام دهیم . علت اینکه
زمینهای اضافی و بخشی از دارائی دهقانان مرفہ طراز کمین
باید طبق اصل تقسیم یکسان تقسیم شوند ،
اینستکہ در چین دهقانان مرفہ بطور کلی و تا اندازه
زیادی دارای خصلت استثمار فئودالی و نیمہ فئودالی
ہستند و اکثر آنها از طریق اجارہ دادن زمین و رباخواری
و اجیر کردن کارگران روستائی تحت شرایط نیمہ
فئودالی امرار معاش میکنند (۹) . بعلاوہ از آنجا کہ
دهقانان مرفہ بالنسبہ زمینهای بیشتر و بہتری را
صاحبند (۱۰) ، لذا خواستہای دهقانان فقیر و کارگران
روستائی تنها با تقسیم این زمینها میتواند تأمین شود .
معہذا طبق مقررات برنامه قانون ارضی ، باید بین دهقانان
مرفہ و مالکین بطور کلی فرق گذاشتہ شود . دهقانان
میانہ حال در اصلاحات ارضی بہ اصل تقسیم یکسان

زمین روی موافق نشان میدهند ، زیرا این به منافع آنها
صدمه‌ای وارد نمی‌آورد . با اجرای اصل تقسیم یکسان ،
زمینهای عده‌ای از دهقانان میانه حال بدون تغییر باقی
می‌ماند و بر زمینهای عده دیگر افزوده خواهد شد ؛ فقط
بخشی از دهقانان میانه حال مرفه هستند که کمی زمین
اضافی دارند ، ولی اینها هم حاضر به واگذار کردن اضافه
زمینهای خود هستند ، زیرا در چنین صورتی از بار
مالیات آنها کاسته خواهد شد . معذک در اجرای تقسیم
یکسان زمین در نقاط مختلف باید به نظرات دهقانان
میانه حال توجه کرد و در صورت عدم موافقت آنها،
از خود گذشت نشان داد . در حین مصادره و تقسیم
زمین و دارائی و اموال طبقه فئودال باید نیازمندیهای
بعضی از دهقانان میانه حال را نیز مورد توجه قرارداد.
هنگام تعیین تعلق طبقاتی باید دقت شود تا دهقانان
میانه حال اشتباهاً بجای دهقانان مرفه بحساب نیایند .
دهقانان میانه حال فعال را باید به همکاری در کمیته‌های
اتحادیه دهقانی و در ارگانه‌های حکومتی جلب نمود .
در تعیین میزان مالیات بر زمین و کمک بامر جنگ باید

رعایت عدل و انصاف گردد. اینها رهنمودهای مشخصی هستند که حزب ما باید در امر وحدت استوار با دهقانان میانه حال برای اجرای وظیفه استراتژیک خود اتخاذ کند. اعضای حزب همه باید درك کنند که اصلاحات ارضی ریشه‌ای یکی از وظایف اساسی انقلاب چین در مرحله کنونی است. حل همه جانبه و کامل مسئله ارضی اساسی‌ترین شرط برای شکست کلیه دشمنان است.

۵

برای اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی و استحکام پشتگاه ارتش آزادیبخش توده‌ای، تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب ما ضرور است. جنبش اصلاح سبك كار (۱۱) در درون حزب در دوران جنگ مقاومت علیه ژاپون بطور کلی با موفقیت انجام پذیرفت. نمودار موفقیت عمده آن پی بردن بیشتر ارگانهای رهبری و بخش عظیمی از کادرها و اعضای حزب ما به

این اصل اساسی ، یعنی وحدت حقیقت عام مارکسیسم-لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین است . حزب ما در اینمورد با مقایسه با مراحل تاریخی قبل از جنگ مقاومت ضدژاپونی گام بلندی بجلو برداشته است . اما در سازمانهای محلی و بخصوص در سازمانهای ابتدائی روستائی حزب هنوز مسئله آلودگی ترکیب طبقاتی صفوف و سبك کار ما حل نشده است . طی مدت ۱۱ سال - از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۴۷ - تعداد اعضای حزب ما از چند ده هزار نفر به دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است و این خود جهش بسیار بزرگی به پیش است که حزب ما را به نیرومندترین حزب سیاسی در تاریخ چین تبدیل کرده است . و بدینجهت بود که ما توانستیم امپریالیسم ژاپون را از پا در آوریم ، حملات چانکایشک را دفع کنیم ، رهبری مناطق آزادشده با جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را بکف بگیریم و ارتش آزادیبخش توده‌ای دو میلیونی را رهبری کنیم . ولی نواقص و کمبودهائی هم پیدا شده‌اند : بسیاری از مالکین ، دهقانان مرفه و اراذل و اوباش با استفاده از فرصت به

درون حزب ما رخنه کرده‌اند . آنها در مناطق روستائی در بسیاری از سازمانهای حزبی ، ارگانهای دولتی و توده‌ای قدرت را بچنگ گرفته و بمیل خود هر کاریکه بخواهند میکنند ، بر مردم تحکم میکنند و با تحریف سیاست حزب این سازمانها را از توده‌های مردم جدا ساخته و از اجرای کامل اصلاحات ارضی جلوگیری مینمایند . درست همین وضع وخیم است که وظیفه تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب را در برابر ما قرار میدهد ؛ ما بدون انجام این وظیفه قادر به پیشبرد کار خود در روستاها نخواهیم بود . کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره مسئله ارضی پس از بررسی کامل این مسئله تدابیر و شیوه‌های مناسبی تدوین نمود . اکنون این تدابیر و شیوه‌ها همراه با قرار درباره تقسیم یکسان زمین در نقاط مختلف با قطعیت تمام بموقع اجرا گذاشته میشود . در اینجا مهمترین نکته بسط و گسترش انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب ، افشای کامل افکار اشتباه‌آمیز و وضع وخیم سازمانهای محلی است که از مشی حزب منحرف گردیده‌اند . کلیه

اعضای حزب باید باین نکته آگاه باشند که تصفیه سازمانهای حزبی و تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب حلقه تعیین کننده زنجیره حل مسئله ارضی و پشتیبانی از جنگ طولانی است که بحزب امکان میدهد تا همپای توده های وسیع زحمتکش در يك جهت به پیش رود و آنها را هدایت کند .

۶

مصادره زمین های طبقه فئودال و واگذار کردن آنها به دهقانان ؛ مصادره سرمایه انحصاری که در صدر آن چانگایشك ، "سون زی وین" ، "کون میان سی" ، "چن لی فو" ، قرار دارد و واگذار کردن آن به دولت دموکراتیک نوین ؛ حمایت از صنایع و بازرگانی بورژوازی ملی - اینست سه سیاست عمده اقتصادی انقلاب دموکراتیک نوین . چهار فامیل بزرگ - چانگایشك ، "سون زی وین" ، "کون میان سی" و "چن لی فو" - طی بیست سال حکومت

خود ثروت هنگفتی بالغ بر ۱۰ تا ۲۰ هزار میلیون دلار
امریکائی بهم زده‌اند و تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد
کشور را به انحصار خود درآورده‌اند. این سرمایه
انحصاری با آمیختن با قدرت دولتی به سرمایه‌داری
انحصاری دولتی مبدل شده است و از طرف دیگر با
پیوند نزدیکی که با امپریالیسم خارجی، مالکین و
دهقانان مرفه طراز کهن یافته است، به سرمایه‌داری
انحصاری دولتی، کمپرادورها و فئودالها بدل گردیده
و پایه اقتصادی قدرت سیاسی ارتجاعی چانکایشک را
تشکیل داده است. این سرمایه‌داری انحصاری دولتی
نه فقط کارگران و دهقانان بلکه خرده بورژوازی شهری
را نیز بزیغ خود کشیده است و خسارات فراوانی
به قشرهای میانه بورژوازی وارد آورده است. در طول
جنگ مقاومت ضد ژاپونی و بعد از تسلیم ژاپون این
سرمایه‌داری انحصاری دولتی به حداکثر رشد خود
رسید و شرایط مادی کاملی برای اجرای انقلاب
دموکراتیک نوین فراهم آورد. این سرمایه در چین
معمولا سرمایه بوروکراتیک خوانده میشود و این بخش

از سرمایه‌داران معروف به سرمایه‌داران بوروکراتیک را
بورژوازی بزرگ چین مینامند . وظایف انقلاب
دموکراتیک نوین علاوه بر لغو امتیازات امپریالیستها
در چین عبارت است از برانداختن استثمار و مظلوم
مالکین و سرمایه‌داران بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ)،
تغییر مناسبات تولیدی کمپرادور - فئودالی و آزاد کردن
نیروهای مولده . قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و
بورژوازی متوسط که از این طبقات و حاکمیت دولتی
رنج و خسران میبرند ، علی رغم تعلقی که به بورژوازی
دارند ، میتوانند در انقلاب دموکراتیک نوین شرکت
جویند و یا بیطرف بمانند . اینان که با امپریالیسم
پیوندی نداشته و یا پیوند مستی دارند ، بورژوازی ملی
واقعی را تشکیل میدهند . قدرت سیاسی دولت دموکراتیک
نوین در هر جا که مستقر شود ، باید این قشرها را با
قطعیت و بدون چون و چرا مورد حمایت قرار دهد . در
مناطق تحت حکومت چانکایشک عده خیلی از افراد
قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط -
عناصر دست راست این قشرها - دارای گرایشهای

سیاسی ارتجاعی بوده و با اشاعه تصورات واهی نسبت به امپریالیسم آمریکا و دارودسته مرتجع چانکایشک علیه انقلاب دموکراتیک خلق قد علم میکنند. مابمحض مشاهده نفوذ این گرایشهای ارتجاعی در میان توده‌ها باید با عریان ساختن ماهیت واقعی آنان در برابر توده‌ها نفوذ سیاسی آنها را در میان مردم خنثی کرده و توده‌ها را از بند آن نجات دهیم. ولی حملات سیاسی و نابودی اقتصادی دو موضوع کاملاً گوناگونند؛ این خطا خواهد بود اگر ما این دو را باهم مخلوط کنیم. انقلاب دموکراتیک نوین تنها فئودالیسم و سرمایه‌داری انحصاری - طبقه مالکین و بورژوازی بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ) - را از میان بر میدارد، ولی هدفش از میان برداشتن سرمایه‌داری بطور اعم و قشرهای فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط نیست. بعلت عقب ماندگی اقتصاد ملی چین، حتی پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور نیز وجود یک بخش کاپیتالیستی اقتصاد ملی متعلق به قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط برای یک مدت طولانی

هنوز مجاز خواهد بود و بعلاوه طبق اصل تقسیم کار اقتصاد ملی ، رشد و توسعه معین کلیه آن بخشهای اقتصادی که بنفع اقتصاد ملی است ، لزومی خواهد بود ؛ زیرا این بخش کاپیتالیستی هنوز جز لاینفک اقتصاد ملی محسوب میشود . قشر فوقانی خرده بورژوازی که در اینجا بدان اشاره شد ، صاحبان مؤسسات كوچك صنعتی و بازرگانی هستند که کارگر و یا فروشنده اجیر میکنند . علاوه بر این ، عده زیادی از پیشه‌وران مستقل و تجار خرده‌پا هم وجود دارند که نه کارگری اجیر میکنند و نه فروشنده‌ای ، و بدیهی است که باید آنها را مورد حمایت کامل قرار داد . پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور ، مؤسسات دولتی بزرگ که از بورژوازی بوروکراتیک گرفته شده‌اند و بر تمام رشته‌های حیاتی اقتصاد ملی نظارت میکنند ، بملکیت دولت دموکراتیک نوین در خواهند آمد ؛ بعلاوه ، يك اقتصاد کشاورزی آزاد از فئودالیسم وجود خواهد داشت که هرچند برای مدتی طولانی اساساً بطور پراکنده و منفرد اداره خواهد شد ، ولی در آینده بتدریج بسوی کئوپراتیوه شدن

خواهد رفت . در چنین شرایطی ، موجودیت و رشد این بخش از سرمایه‌داری كوچك و متوسط هیچگونه خطری ندارد . در مورد اقتصاد دهقانان نو مرفه كه الزاماً بعد از اصلاحات ارضی در روستاها پدید میاید ، نیز اصل فوق صادق است . اما دیگر بهیچوجه نباید آن سیاست چپ افراطی نادرست را نسبت به بخش اقتصادی قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط تکرار کنیم كه حزب ما در دوره ۱۹۳۱ - ۱۹۳۴ در پیش گرفته بود (مانند تقاضاهای بیمورد بنفع كارگران ؛ مالیات بر درآمد بیش از حد ؛ تجاوز به منافع صاحبان صنایع و بازرگانان در جریان اجرای اصلاحات ارضی ؛ و اتخاذ سیاست كوته‌نظرانه و یكجانبه برای باصطلاح ”رفاه زحمتكشان“ بعوض اتخاذ سیاستی جهت رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه كردن به منافع جمعی و شخصی و تأمین منافع كارگر و سرمایه‌دار) . مسلم است كه تکرار این اشتباهات به منافع توده‌های زحمتكش و همچنین به منافع دولت دمكراتيك نوین زیان می‌رساند . یکی از مواد

برنامه قانون ارضی چین میگوید : ”دارائی و اموال و فعالیت قانونی صاحبان صنایع و بازرگانان باید از تجاوز مصون بمانند .“ در اینجا مقصود از صاحبان صنایع و بازرگانان تمام پیشه‌وران مستقل و تجار كوچك و همچنین كلیه سرمایه‌داران كوچك و متوسط است . بطور کلی ، ترکیب اقتصاد چین نوین بدینقرار خواهد بود : ۱ - اقتصاد دولتی بمثابة بخش رهبری کننده ؛ ۲ - اقتصاد کشاورزی که بتدریج از شکل انفرادی به شکل کلتیو رشد مییابد ؛ ۳ - بخش پیشه‌وران مستقل و تجار كوچك و همچنین اقتصاد سرمایه‌داری شخصی كوچك و متوسط . اینها همه در مجموع تشکیل دهنده اقتصاد ملی دمکراتیک نوین هستند . اما اصول هدایت کننده در اقتصاد ملی دمکراتیک نوین باید مستقیماً به هدف عمومی دایر بر رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه کردن به منافع جمعی و شخصی و تأمین منافع کارگر و سرمایه‌دار خدمت کند . هرگونه رهنمود ، سیاست و تدبیر دیگری که مغایر این هدف عمومی باشد ، نادرست است .

ارتش آزادیبخش توده‌ای در اکتبر سال ۱۹۴۷
 بیانیه‌ای انتشار داد که در قسمتی از آن گفته میشود :
 ”وحدت با کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران
 و تجار ، همه طبقات ستمدیده و سازمانهای توده‌ای ،
 احزاب دموکراتیک ، اقلیتهای ملی ، مهاجرین چینی در خارج
 از کشور و سایر میهن پرستان بمنظور تشکیل جبهه واحد
 ملی برای سرنگون ساختن دولت دیکتاتوری چانکایشک
 و ایجاد دولت ائتلافی دموکراتیک .“ این برنامه سیاسی
 اساسی ارتش آزادیبخش توده‌ای و حزب کمونیست
 چین است . ظاهراً چنین به نظر میرسد که اکنون جبهه
 واحد ملی انقلابی ما در قیاس با دوره جنگ مقاومت
 ضد ژاپونی کوچک تر شده است . ولی در حقیقت درست
 در مرحله کنونی ، پس از آنکه چانکایشک منافع ملی را
 تسلیم امپریالیسم آمریکا نمود و جنگ ضد خلقی داخلی را
 در سراسر کشور برپا ساخت ، و پس از آنکه جنایات

و تبه‌کاریهای امپریالیستهای آمریکا و دارودسته مرتجع چانکایشک در برابر خلق چین کاملاً افشاء گردیده‌اند ، جبهه واحد ملی ما واقعاً وسعت پیدا کرده است . چانکایشک و گومیندان در دوران جنگ مقاومت ضدژاپونی هنوز نفوذ و اعتبار خود را در میان مردم چین کاملاً از دست نداده بود و هنوز برای گمراه کردن خلق چین امکانات بسیاری در اختیار داشت . ولی در حال حاضر وضع دیگر تغییر یافته است و اعمال آنان که نشاندهنده کذب گفتارشان است ، آنها را از توده‌های مردم بکلی جدا ساخته و به افراد مطلق کشانده است . حزب کمونیست چین ، بعکس گومیندان ، نه تنها در مناطق آزادشده از اعتماد کامل توده‌های وسیع مردم برخوردار است ، بلکه مورد پشتیبانی توده‌های وسیع مردم مناطق و شهرهای بزرگ تحت حکومت گومیندان نیز واقع شده است . اگر در سال ۱۹۴۶ در مناطق تحت حکومت چانکایشک هنوز بخشی از روشنفکران قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط امیدی بیک باصطلاح ”راه سوم“ (۱۲) داشته بودند ، اکنون دیگر این امیدها همه نقش بر آب

شده‌اند . حزب ما بعلت اتخاذ يك سياست ارضی
کامل از پشتیبانی صمیمی توده‌های دهقانی بمراتب
وسیعتری از دوران جنگ مقاومت ضدژاپونی برخوردار
است . تجاوز امپریالیسم آمریکا ، مظلالم چانکایشك و
سياست صحیح حزب ما در راه حفظ منافع توده‌های مردم
مبب شده است که حزب ما در مناطق تحت حکومت
گومیندان از همدردی و علاقه توده‌های وسیع کارگران،
دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط
برخوردار شود . توده‌های مردم بعلت وجود گرسنگی ،
ستم سیاسی و جنگ داخلی ضد خلقی چانکایشك که
تمام امکانات زندگی را بروی آنها بسته است ، پیگیرانه
علیه امپریالیسم آمریکا و حکومت ارتجاعی چانکایشك
به مبارزه برمیخیزند ؛ و شعارهای اساسی خود را علیه
گرسنگی ، علیه تعقیب و تضییق ، علیه جنگ داخلی ،
علیه مداخله ایالات متحده آمریکا در امور داخلی چین
متوجه میسازند . آگاهی آنها چه در دوران قبل از جنگ
مقاومت ضدژاپونی و چه در اثنای جنگ و چه بعد از
تسلیم ژاپون ، هیچگاه به درجه امروزی نرسیده بود .

بدین لحاظ است که ما میگوئیم امروز جبهه واحد انقلابی دموکراتیک نوین وسیعتر و مستحکمتر از هر زمان دیگر گردیده است. این واقعیت فقط در نتیجه سیاست ما در روستاها و شهرها بوجود نیامده است، بلکه به اوضاع عمومی سیاسی یعنی به پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای، گذار واحدهای نظامی چانکایشک از تعرض به دفاع و گذار ارتش آزادیبخش توده‌ای از دفاع به تعرض و همچنین اوج جدید انقلاب چین نیز مستقیماً مربوط است. اکنون مردم به چشم خود می‌بینند که اضمحلال رژیم چانکایشک امری اجتناب‌ناپذیر است و از اینرو تمام امید خود را به حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای می‌بندند - و این امری طبیعی است. پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین بدون وجود وسیعترین جبهه واحد اکثریت قاطع مردم کشور امکان پذیر نیست. بعلاوه، این جبهه واحد باید تحت رهبری استوار حزب کمونیست چین قرار گیرد. بدون رهبری استوار حزب کمونیست چین هیچ جبهه واحد انقلابی قادر به کسب پیروزی نیست. در سال ۱۹۲۷،

هنگامیکه لشگرکشی بشمال به نقطه اوج خود رسیده بود ، تسلیم طلبان در دستگاه رهبری حزب ما داوطلبانه از رهبری توده‌های دهقانی ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط و بخصوص از رهبری نیروهای مسلح دست کشیدند و بدینترتیب انقلاب را دستخوش شکست ساختند . در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپونی ، حزب ما علیه نظراتی نظیر اینگونه نظرات تسلیم‌طلبانه مبارزه کرد ، یعنی علیه نظرات کسانی که نسبت به سیاست ضد خلقی گومیندان گذشت نشان میدادند و به گومیندان بیشتر از توده‌های مردم اعتماد میورزیدند ، جرأت و جسارت خود را برای بسیج کامل توده‌ها جهت مبارزه و برای توسعه مناطق آزادشده و افزایش نیروهای مسلح خلق در مناطق اشغالی ژاپونی‌ها از دست میدادند و رهبری جنگ مقاومت ضد ژاپونی را به گومیندان واگذار میکردند . حزب ما علیه اینگونه نظرات پوسیده و مست پایه که با اصول مارکسیسم - لنینیسم مغایرت دارند ، قاطعانه به مبارزه برخاست و مشی سیاسی "توسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای بینایی و منفرد

ساختن نیروهای سرسخت ارتجاعی“ را پیگیرانه اجرا نمود و با قطعیت تمام مناطق آزادشده و ارتش آزادیبخش توده‌ای را بسط و توسعه داد. این نه تنها توانائی حزب ما را بشکست امپریالیسم ژاپون در دوره تجاوز امپریالیسم ژاپون تضمین کرد، بلکه در دوره پس از تسلیم ژاپون، هنگامیکه چانکایشک جنگ ضد انقلابی خود را برپا نمود، حزب ما را قادر ساخت تا در راه جنگ توده‌ای انقلابی علیه جنگ ضد انقلابی چانکایشک با موفقیت و بدون تلفات گام بگذارد و در مدتی کوتاه پیروزیهای عظیمی کسب نماید. کلیه اعضای حزب باید همواره این آموزش تاریخی را در خاطر نگاهدارند.

۸

دارودسته مرتجعین چانکایشک که در سال ۱۹۴۶ جنگ داخلی ضد خلقی را در سراسر کشور برپا کرده‌اند، بدین علت جرأت اقدام بیک چنین ماجراجوئی جنگی را یافتند که علاوه بر اتکاء به برتری نظامی خود، بطور عمده

به امپریالیسم آمریکا که بمب اتمی در اختیار دارد و به تصور آنها "فوق العاده مقتدر" و "شکستناپذیر" است، تکیه میکردند. آنها از يك طرف گمان میکردند که امپریالیسم آمریکا میتواند بطور مستمر احتیاجات نظامی و مالی آنها را برطرف سازد؛ و از طرف دیگر با گستاخی تمام به تبلیغ درباره "ناگزیری جنگ بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی" و "ناگزیری سومین جنگ جهانی" میپرداختند. بعد از جنگ جهانی دوم وجه مشترك کلیه نیروهای ارتجاعی جهان را يك چنین وابستگی نسبت به امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد. این منعكس کننده ضربات سختی است که در جنگ جهانی دوم بر سرمایه داری جهانی وارد آمده و همچنین نمودار ترس و وحشت و ضعف و عدم اطمینان نیروهای ارتجاعی کلیه کشورها و تجلی بخش قدرت نیروهای انقلابی جهان است — این عوامل همگی باعث میشوند که مرتجعین همه کشورها در برابر خود راه دیگری بجز اتكاء به كمك امپریالیسم آمریکا نبینند. ولی آیا امپریالیسم آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم واقعاً

آنقدر مقتدر شده است که چانکایشك و مرتجعین کشورهای مختلف تصور میکنند ؟ آیا امپریالیسم آمریکا واقعاً قادر به تأمین مستمر احتیاجات چانکایشك و مرتجعین کشورهای مختلف است ؟ خیر ، بهیچوجه . قدرت اقتصادی امپریالیسم آمریکا که در اثنای جنگ جهانی دوم رشد یافته بود ، با بی ثباتی و انقباض دائمی بازارهای داخلی و خارجی مواجه شده است و انقباض آتی این بازارها ناگزیر موجب انفجار بحران اقتصادی خواهد گردید . پیشرفت و ترقی ایالات متحده آمریکا در طول جنگ فقط پدیده‌ای موقتی است . قدرت ایالات متحده آمریکا نیز پدیده‌ای فقط سطحی و گذراست . تضادهای حل نشدنی داخلی و خارجی ، چون کوه آتش فشان ، امپریالیسم آمریکا را همه روزه مورد تهدید قرار میدهند . امپریالیسم آمریکا درست بر قله این کوه آتش فشان نشسته است . این اوضاع و احوال است که امپریالیستهای آمریکا را به تدوین نقشه اسارت جهان واداشته است . آنها چون درندگان به اروپا و آسیا و سایر نقاط جهان یورش میبرند و با تجمع نیروهای ارتجاعی کشورهای

مختلف - این تفاله‌های مورد تنفر خلقها - و با مشکل ساختن اردوگاه امپریالیستی و ضد دمکراتیک که علیه کلیه نیروهای دمکراتیک و در رأس آنها اتحاد شوروی متوجه است ، بامید اینکه شاید در آینده دور روزی موفق به برافروختن آتش سومین جنگ جهانی جهت نابودی نیروهای دمکراتیک گردند ، جنگی دیگر تدارک می‌بینند . این نقشه‌ای جنون آمیز است . نیروهای دمکراتیک جهان موظف به عقیم گذاشتن این نقشه هستند و مسلماً هم بدان قادر خواهند بود . قدرت اردوگاه ضد امپریالیستی جهان بر قدرت اردوگاه امپریالیستی پیشی بسته است . اکنون این ما هستیم که برتری یافته‌ایم ، نه دشمن . اردوگاه ضد امپریالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی ، دیگر تشکیل یافته است . اتحاد شوروی سوسیالیستی که عاری از بحران است و در راه رشد و ترقی سیر میکند ، از پشتیبانی و علاقه توده‌های وسیع مردم جهان برخوردار است و قدرتش بر قدرت آمریکای امپریالیستی که مورد تهدید جدی بحران قرار گرفته ، رو به

اضمحلال نهاده و با مخالفت توده‌های وسیع مردم جهان روبرو گشته است ، تفوق جسته است . کشورهای دموکراتیک توده‌ای اروپا استحکام درونی میابند و با یکدیگر متحد میشوند . در کشورهای سرمایه‌داری اروپا نیروهای ضدامپریالیستی به پیشاهنگی خلقهای فرانسه و ایتالیا بسط و توسعه میابند . در ایالات متحده آمریکا نیروهای دموکراتیک خلق روز بروز نیرومندتر میگردند . خلقهای آمریکای لاتین نیز دیگر برده مطاع امپریالیسم آمریکا نیستند . سراسر آسیا را جنبش عظیم آزادیبخش ملی فرا گرفته است . کلیه نیروهای اردوگاه ضدامپریالیستی در اتحاد با یکدیگر به پیش گام برمیدارند . احزاب کمونیستی و کارگری نه کشور اروپائی به تشکیل یک بوروی اطلاعاتی اقدام کرده‌اند و به خلقهای سراسر جهان برای برخاستن علیه نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی پیامی صادر کرده‌اند (۱۳) . این پیام با بسیج خلقهای متمدیده سراسر جهان و روشن ساختن سمت مبارزه آنها ، اعتماد آنها را به پیروزی تقویت میکند .

بعکس مرتجعین جهان از این پیام سخت بوخت افتاده‌اند . در کشورهای مشرق زمین نیز کلیه نیروهای ضد امپریالیستی باید بمنظور مبارزه علیه ظلم و ستم امپریالیسم و ارتجاع داخلی با یکدیگر متحد شوند و آزادی بیش از یک میلیارد انسانهای ستمدیده مشرق زمین را هدف مبارزه خود قرار دهند . سرنوشت ما مسلماً باید بدست خودمان افتد . ما باید صفوفمانرا از هر گونه روحیه سستی و ناتوانی پاک کنیم . کلیه نظراتی که به نیروهای دشمن پربها داده و به نیروهای خلق کم‌بها میدهد ، نادرست است . چنانچه ما همدوش کلیه نیروهای دموکراتیک جهان تمام سعی و کوشش خود را بکار بندیم ، مسلماً قادر خواهیم بود نقشه‌های اسارت‌آور امپریالیستی را خنثی سازیم و از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری نمائیم و طومار سلطه همه مرتجعین را بر چینیم و به پیروزی صلح پایدار بشریت دست یابیم . ما بخوبی واقفیم که در راه پیشرفت ما موانع و مشکلات گوناگونی موجود است و باید آماده روبرو شدن با مقاومت سرسختانه و مبارزه ناامیدانه کلیه دشمنان داخلی

و خارجی خود شویم . ولی فقط در صورت تسلط بر
تعالیم مارکسیسم - لنینیسم ، اعتماد به توده‌های مردم ،
ایجاد وحدت فشرده با توده‌ها و رهبری آنها در شاهراه
پیشرفت و ترقی ، کاملاً قادر به رفع هرگونه مانع و مشکلی
خواهیم شد . قدرت ما شکست‌ناپذیر است . دوران
تاریخی کنونی - دوران اضمحلال و تلاشی سرمایه‌داری
و امپریالیسم در سراسر جهان و پیروزی سوسیالیسم
و دموکراسی توده‌ای در سراسر جهان است ؛ طلوع
شفق صبح نزدیک میشود ، ما باید با تمام نیرو
کوشش کنیم .

توضیحات

۱ - اوضاع آنزمانیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای در جبهه‌های مختلف به تعرض متوالی پرداخته و آتش جنگ را به مناطق تحت حکومت گومیندان کشانیده بود ، بدینقرار بود : هفت ستون از ارتش صحرائی " شانشی - خبه - شاندون - خه نان " تحت فرماندهی لیوبائی‌چن و دن سیائو‌پین و رفقای دیگر از ۳۰ ژوئن ۱۹۴۷ بوسیله نبردهای سخت ضمن عبور از رودخانه زرد بسمت کوهستان " دایشان " بحرکت درآمدند و بدینترتیب تعرض استراتژیک ارتش آزادیبخش توده‌ای آغاز گردید . ارتش آزادیبخش توده‌ای پس از قلع و قمع بیش از صد هزار نفر از نیروهای مسلح دشمن پایگاههای جدیدی در مرز بین استانهای " هوبه " و " خه نان " ، " آن هوی " غربی ، منطقه کوهستانی " تون بایشان " واقع در مرز بین استانهای " هوبه " و " خه نان " و در دشت بین رودخانه‌های " یانگ تسه " و " هان " ایجاد کرد . ۸ ستون از ارتش صحرائی شرق چین بفرماندهی چنای و سویو و رفقای دیگر

در اوت ۱۹۴۷ حملات متمرکز دشمن را در استان "شاندن" درهم شکستند و بسمت جنوب غربی "شاندون" و منطقه مرزی "خه نان" - "آن هوی" - "کیان سو" دست به پیشروی زدند. ضمن این نبردها بیش از صد هزار نفر از نیروهای مسلح دشمن تارومار شدند و در نتیجه توسعه منطقه آزادشده "خه نان" - "آن هوی" - "کیان سو" مراکز استراتژیک دشمن در شهرهای "کایفون" و "جن چو" منفرد گردیدند. دوستون نظامی ویک سپاه از ارتش "تای یو" مستقر در ناحیه "شانسی" - "خه به" - "شاندون" - "خه نان" بفرماندهی "چن گن" و "شی فوجی" و رفقای دیگر در اوت ۱۹۴۷ پس از نبردهای سخت از رودخانه زرد در جنوب "شانسی" عبور کرده و به طرف غرب "خه نان" پیشروی نمودند، بیش از ۴۰ هزار نفر از قوای نظامی دشمن را معدوم ساخته و در مرز "خه نان" - "شنی-هوبه" و در جنوب "شنی" به ایجاد پایگاه پرداختند و با منفرد ساختن "لوهیان" مرکز استراتژیک دشمن در غرب استان "خه نان"، شهر "تون گوان" را مورد تهدید قرار دادند.

۲ - «قرارداد آتش بس» قراردادی است که در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۴۶ بین نمایندگان حزب کمونیست چین و دولت گومیندان چانکایشک بخاطر جلوگیری از

تصادمات نظامی منعقد گردید . در این قرارداد تصریح میشود که نیروهای مسلح دو طرف باید در مواضعی که تا نیمه شب ۱۳ ژانویه در دست داشته‌اند ، باقی بمانند و از هرگونه عملیات جنگی علیه یکدیگر خودداری کنند . اما چانکایشک با استفاده از این قرارداد آتش بس بمشابه پرده استتاری برای تدارك یک نبرد پردامنه ، همزمان با صدور فرمان آتش بس به واحدهای مسلح گومیندان فرمان داد تا ” کلیه نقاط استراتژیک مهم را بزور اسلحه تصرف کنند “ . چانکایشک از آن پس دائماً نیروهای نظامی خود را برای حمله به مناطق آزادشده اعزام مینمود و سرانجام نیز در ماه ژوئیه علناً با نقض قرارداد آتش بس حمله پردامنه‌ای را علیه مناطق آزاد شده آغاز کرد .

۳ - ” کنفرانس مشورتی سیاسی “ مرکب از نمایندگان گومیندان ، حزب کمونیست و سایر احزاب و شخصیت‌های غیرحزبی از تاریخ ۱۰ تا ۳۱ ژانویه ۱۹۴۶ در ” چون کین “ منعقد گردید . در این کنفرانس ۵ قرار بتصویب رسید که بقرار ذیلند :

(۱) توافق در باره تشکیل دولت- در این ماده تصریح میشود : ” اساسنامه سازمانی دولت ملی با افزایش تعداد شرکت کنندگان در کمیسیون دولت ملی تغییر می‌یابد “ . در مورد افزایش تعداد اعضای کمیسیون دولت ملی گفته میشود : ” اعضای کمیسیون دولت ملی از

طرف صدر دولت ملی از افراد منتسب یا غیرمنتسب به گومیندان انتخاب و برگمارده میشوند؛ " احزاب مختلف به صدر دولت ملی برای انتخاب و انتصاب اعضای کمیسیون دولتی افرادی را معرفی میکنند و در صورتیکه صدر دولت ملی با این پیشنهادات موافق نباشد، حزب مزبور موظف است افراد دیگری معرفی کند؛ " در صورتیکه افراد غیرحزبی که از طرف صدر دولت ملی به عضویت کمیسیون دولتی منصوب میشوند، مورد تأیید تکسوم اعضای کمیسیون واقع نشوند، آنوقت صدر دولت ملی موظف است افراد جدیدی را برای انتصاب انتخاب کند، "نیمی از اعضای کمیسیون دولتی از گومیندان و نیم دیگر از اعضای سایر احزاب و شخصیت‌های سرشناس کشور تشکیل میشود". بدین ترتیب کمیسیون دولت ملی اسماً "عالی‌ترین مرجع دولتی" محسوب گردید؛ پاره‌ای از اختیارات این کمیسیون عبارتند از: بحث و تصمیم در باره مسایل اساسی قانون‌گذاری، در باره مشی سیاسی، در باره نقشه سیاست نظامی، در باره برنامه مالی و بودجه و همچنین در باره کلیه موضوعاتی که از طرف صدر دولت ملی طرح میشود. ولی در عین حال صدر دولت ملی اختیارات بسیار وسیعی در دست داشت: حق انتصاب، حق وتوی محدود در مورد کلیه تصمیمات (این حق وتو ظاهراً محدود بنظر میرسد ولی در واقع مطلق بود

زیرا فقط با اکثریت سه پنجم نمایندگان می‌توانست لغو شود. اما حزب صدر دولت ملی - گومیندان - نمی از کرسی‌های نمایندگی را در اختیار داشت) ، حق اعلام وضع فوق‌العاده . علاوه بر این در این تصمیم تصریح شده است که در دولت ملی " از مجموع اعضای هیئت اجراییه وزیران و وزیران مشاور جدید ، ۷ یا ۸ نفر نباید از گومیندان باشند . "

(۲) برنامه ساختمان کشور در دوران صلح - این برنامه شامل ۹ فصل میشود : « کلیات » ؛ « حقوق مدنی » ؛ « سیاست » ؛ « امور نظامی » ؛ « سیاست خارجی » ؛ « امور اقتصادی و مالی » ؛ « امور فرهنگی و تعلیم و تربیت » ؛ « خدمات اجتماعی » ؛ « امور مربوط به مهاجرین چینی » . در فصل « کلیات » تصریح شده بود که کلیه احزاب کشور " باید برای ساختمان چین نوین واحد ، آزاد و دموکراتیک متحد گردند " ؛ " سیاست باید دموکراتیک باشد ، ارتش باید ملی شود و احزاب سیاسی باید از تساوی حقوق برخوردار و قانونی شوند " ؛ " اختلافات سیاسی باید برای تأمین رشد و توسعه مسالمت‌آمیز کشور با تدابیر سیاسی مرتفع شوند " . در فصل « حقوق مدنی » چنین مقرراتی پیش بینی شده است : " برای عموم خلق باید آزادی فردی ، آزادی فکر ، آزادی مذهب و عقیده ، آزادی بیان و مطبوعات و اجتماعات و ائتلاف ،

آزادی انتخاب محل سکونت تضمین شود ؛ رازداری
پستی باید حفظ گردد“ ؛ ” هیچ مرجع و یا شخصی
بجز دادگستری و پلیس حق بازداشت ، محاکمه و محکومیت
اتباع کشور را ندارد ؛ کلیه متخلفین از این قانون
تحت پیگرد قرار خواهند گرفت “ . در فصل « سیاست »
آمده است : ” دستگاه دولتی در تمام سطوح باید
اصلاح شود ، حقوق و وظایف آنها باید بطور واحد
و روشن مشخص گردد ، کلیه ارگانهای اضافی
و غیر ضروری باید منحل شوند ، سیستم اداری باید
ساده شود و مسئولیت فردی باید در تمام سطوح برقرار
گردد“ ؛ ” کارمندان دولتی که به نحو رضایت بخشی
انجام وظیفه میکنند ، باید مورد حمایت قرار گیرند ،
کارمندان باید طبق توانائی و سابقه کارشان ،
نه طبق تعلق حزبی ، استخدام شوند ، داشتن
چند مقام توسط يك فرد و قیمومیت شخصی ممنوع
است “ ؛ ” ایجاد يك شبکه بازرسی دقیق و مجازات
شدید برای اختلاس و ارتشاء ؛ همه کس دارای حق اعلام
جرم علیه شخص دیگر است “ ؛ ” در محلها باید
استقلال اداری تأمین گردد و انتخابات عمومی از سطوح
تحتانی تا سطوح فوقانی انجام یابد “ ، ” اختیارات
ارگانهای مرکزی و محلی بطور برابر از یکدیگر
تفکیک میشوند ، در آنجائیکه باید تدابیر لازم محلی
اتخاذ شوند ، باید دقت کرد تا قوانین و مقررات

استانی و شهرستانی ، با قوانین و مقررات دولت مرکزی
 مغایرت نداشته باشند . در فصل « امور نظامی »
 گفته میشود : ” ایجاد نیروهای نظامی باید با نیازمندی‌های
 دفاع ملی مطابقت داشته باشد ؛ ارتش باید در
 انطباق با سیاست دمکراتیک و وضع کشور تجدید
 سازمان یابد ، حزب ، ارتش و همچنین دستگاه
 ارتشی و دولتی باید از هم مجزا باشند ، تعلیمات نظامی
 باید اصلاح شود ، تسلیحات کامل گردد و سیاست
 استخدامی و اداری باید بهبود یابد تا بتوان يك ارتش ملی
 مدرن ایجاد نمود “ ؛ ” تعداد افراد زیرپرچم
 باید طبق نقشه تجدید سازمان ارتش در سراسر
 کشور تقلیل یابند “ . در فصل مربوط به « امور
 اقتصادی و مالی » گفته میشود : ” باید از رشد سرمایه
 بوروکراتیک و همچنین از امکان سؤاستفاده کارمندان
 دولت از اختیارات و مقام خود برای سفته بازی ،
 انحصارگری ، عدم پرداخت مالیات ، قاچاق ،
 اختلاس در اموال عمومی و استفاده نامشروع از وسایل
 حمل و نقل جلوگیری شود “ ، ” نرخ اجاره و سود باید
 تنزل یابد ، از حقوق مستأجر باید حمایت گردد ،
 اجاره باید پرداخت و اعتبار بیشتری در اختیار اقتصاد
 کشاورزی گذاشته شود و از استثمار دهقانان بوسیله
 رباخواران جلوگیری بعمل آید تا وضع دهقانان بهبود
 یابد ؛ قانون اصلاحات ارضی باید اجرا شود تا بدین

ترتیب هدف این قانون یعنی تعلق زمین به کشت کاران ، تأمین شود “ ؛ ” جهت بهبود شرایط کار باید قانون کار بمرحله اجرا درآید “ ؛ ” نظارت عمومی بر حسابهای مالی ؛ طرح بودجه و محاسبه دقیق دخل و خرج دولت ؛ تحدید مخارج ، بودجه متعادل ، تفکیک امور مالی مرکزی و محلی ، تحدید چاپ اسکناس ، تثبیت سیستم پولی ، اعلام محل اخذ قروض داخلی و خارجی و موارد استفاده از آنها و نظارت بر این قروض بوسیله سازمانهای توده‌ای “ ؛ ” اجرای اصلاحات مالیاتی و لغو کلیه مالیاتها و عوارض تحمیلی و قطع هر گونه تقاضاهای نامشروع پولی “ . در فصل « امور فرهنگی و تعلیم و تربیت » چنین مقرراتی خوانده میشود : “ تأمین آزادی علم ؛ برکنار داشتن مذهب و مسایل عقیدتی و ایدئولوژی‌های سیاسی از مدارس و آموزشگاهها “ ؛ ” افزایش بودجه فرهنگ و تعلیم و تربیت از محل بودجه دولت “ ؛ ” لغو سانسور مطبوعات ، طبع و نشر ، فیلم ، تئاتر ، ارتباطات پستی و تلگرافی که در دوران جنگ برقرار گشته بود “ .

(۳) توافق در مورد مجلس ملی - در اینجا تصریح میشود: باید بر تعداد نمایندگان مجلس ملی ” ۷۰۰ نفر دیگر - از جمله شخصیتهای احزاب مختلف و سایر شخصیتهای وجیه‌المله - افزایش یابد “ و ” اولین جلسه مجلس ملی باید مختص به تنظیم قانون اساسی

گردد . ”

(۴) توافق در مورد طرح قانون اساسی حاوی نکات ذیل است : تشکیل کمیته‌ای برای طرح قانون اساسی و تغییر طرح قانون اساسی گومیندان ؛ بعلاوه تدوین اساسهائی برای این تغییر . درکنار مقررات اصولی در مورد اختیارات مجلس ملی و ارگانهای دولتی ، بخصوص « سیستم اداری محلی » و « حقوق ووظایف اتباع » نیز معین گردیده است . در مورد « سیستم اداری محلی » چنین تصریح شده است : ” استان عالی‌ترین واحد مستقل اداری است “ ؛ ” اختیارات استانها و دولت مرکزی طبق اصل تقسیم برابر اختیارات از یکدیگر جدا میشوند “ ؛ ” استاندار از طرف مردم انتخاب میشود “ ، ” استان قانون اساسی استانی خود را طوری وضع میکند که با قانون اساسی کشور تناقضی نداشته باشد “ . در فصل مربوط به « حقوق ووظایف اتباع » گفته میشود : ” کلیه آزادیها و حقوقی که اتباع يك کشور دمکراتیک از آن برخوردارند ، باید بوسیله قانون اساسی تأمین گردد و تخلف از آن بهیچوجه مجاز نیست “ ؛ ” قرارهای قانونی در مورد آزادیهای خلق باید از روحیه حفظ این آزادیها و نه تحدید آنها ، سرچشمه بگیرد “ ؛ ” مقررات مربوط به کار در صلاحیت قانون اساسی محلی است نه در حوزه اختیار قانون اساسی کشور “ ؛ ” تأمین خود مختاری

اقلیت‌های ملی ساکن در يك منطقه معین .
 (ه) توافق در مورد مسایل نظامی - در اینجا گفته
 میشود: "سیستم ارتشی باید در تطابق با سیاست دموکراتیک
 و اوضاع کشور تجدید سازمان یابد" ؛ "سیستم
 سربازگیری باید اصلاح شود" ؛ "تعلیمات نظامی
 باید طبق اصول ساختمان ارتش انجام یابد و همیشه خارج
 از حوزه سیستم حزبی و مناسبات شخصی قرار گیرد" ؛
 "ارتش و حزب باید از یکدیگر مجزا باشند" ،
 "ارتش نباید وسیله سیاسی يك حزب و یا يك فرد
 مخصوص شود" ؛ "مقامات نظامی و کشوری باید از
 یکدیگر تفکیک گردند" و "خدمت در نظام
 در عین خدمت در دستگاه دولتی ممنوع شود" .
 در مورد تجدید سازمان ارتش گومیندان و مناطق آزادشده
 تصریح شده بود : "يك گروه سگانه برای امور
 نظامی ، همانطور که سابقاً در نظر گرفته شده
 بود ، باید بزودی اسلوب و طرقي تدوین کند که
 طبق آن تجدید سازمان ارتش حزب کمونیست چین
 انجام و پایان یابد" ؛ ارتش گومیندان "باید طبق
 نقشه اولیه وزارت جنگ بسرعت در ظرف ۶ ماه
 تجدید سازمان خود را به ۹۰ لشکر پایان دهد" ؛ "پس
 از پایان تجدید سازمان هر دو ارتش ، باید ارتش واحد
 سرتاسری کشور از ۵۰ تا ۶۰ لشکر تشکیل شود" .
 این توافقات کنفرانس مشورتی سیاسی تا حدودی با

- منافع خلق ، ولی نه با منافع حکومت ارتجاعی چانکایشك مطابقت می‌کرد . چانکایشك از یکسو موافقت خود را با این توافقات اظهار میداشت تا تظاهر به سیاست صلحجویانه نماید ، ولی از سوی دیگر دست اندر کار تدارك آتش جنگ داخلی سراسر کشور بود . بزودی این توافقات کنفرانس مشورتی سیاسی یکی پس از دیگری از طرف چانکایشك نقض گردیدند .
- ۴ - طبق قطعنامه کنفرانس مشورتی سیاسی مورخ ژانویه ۱۹۴۶ باید همه احزاب با وحدتی دموکراتیک در مجلس ملی شرکت می‌جستند ، و مجلس ملی میبایستی پس از تحقق کلیه قرارهای کنفرانس مشورتی سیاسی تحت رهبری دولت جدید تشکیل میشد . واحدهای مسلح گومیندان در تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ " جان جیا کو " را تصرف کردند و بعد از ظهر همان روز دارودسته چانکایشك که سرمست باده این فتح گشته بود ، با نقض آشکار قرارهای کنفرانس مشورتی سیاسی بطور خودسرانه " مجلس ملی " دیکتاتوری و تفرقه‌افکنانه‌ای را فراخواندند . این باصطلاح " مجلس ملی " که در ۱۵ نوامبر همان سال در نانکن رسماً افتتاح یافت ، از طرف حزب کمونیست چین و تمام احزاب دموکراتیک و مردم سراسر کشور مطرود و تحریم گردید .
- ۵ - " لیوچی " رئیس " اداره مرکزی گومیندان برای استقرار نظم و آرامش " در " جن جو " (از استان

"خه نان" (بعلت شکستی که در سپتامبر ۱۹۴۶ در نبرد
 "دین تائو" (جنوب غربی "خه نان") متحمل شد ،
 در نوامبر ۱۹۴۶ از کاربرکنار گردید . "سیویو"
 رئیس "اداره مرکزی گومیندان برای استقرار نظم
 و آرامش" در "شیو جو" (از استان "کیان سو")
 نیز بعلت شکستهای سختی که قوای نظامی تحت
 فرماندهی وی در نبرد شمال "سوی سیان" (از استان
 "کیان سو") در دسامبر ۱۹۴۶ و در نبرد "شاندون"
 جنوبی در ژانویه ۱۹۴۷ و در نبرد "لای او"
 ("شاندون" مرکزی) در فوریه ۱۹۴۷ متحمل شده بود ،
 در مارس ۱۹۴۷ از مقام خود معزول گردید. "او چی وی"
 معاون آن اداره هم بعلت شکست در نبرد شمال "سوی
 سیان" (بتاریخ دسامبر ۱۹۴۶) در ماه مارس
 ۱۹۴۷ از شغل خود منفصل شد. "تانبو" فرمانده
 ارتش اول گومیندان بعلت نابودشدن لشکر ۷۴ جدید
 گومیندان (در ماه مه سال ۱۹۴۷) در نبرد "مون لیان گو"
 واقع در جنوب "شاندون" ، در ژوئن ۱۹۴۷ تغییر مقام
 یافت . "وان جون لیان" فرمانده ارتش چهارم گومیندان
 در ماه اوت ۱۹۴۷ بعلت شکست در نبرد جنوب غربی
 "شاندون" (در ماه ژوئیه) از خدمت معزول گردید .
 "دوای مین" فرمانده "اداره مرکزی گومیندان برای استقرار
 نظم و آرامش در شمال شرقی" و "شیون شی خوی"
 رئیس "اداره مرکزی گومیندان در شمال شرقی" بعلت

اینکه ارتش آزادیبخش توده‌ای طی تعرض تابستانی خود در ماه ژوئن ۱۹۴۷ در شمال شرقی شکستهای خورد کننده‌ای به آنها وارد آورده بود ، از کار برکنار گشتند . ” سون لیان جون “ فرمانده منطقه جنگی شماره ۱۱ گومیندان بریاست ” اداره مرکزی گومیندان برای استقرار نظم و آرامش “ در ” بانودین “ (از استان ” خه به “) تنزل مقام یافت ، زیرا در نبرد شهرستان ” چیان “ و ” تسان “ و نبرد ” شیو شوی “ واقع در شمال ” بانو دین “ در ماه ژوئن ۱۹۴۷ شکست خورده بود . ” چن چن “ رئیس ستاد کل چانکایشک نیز در اوت ۱۹۴۷ به حکمرانی استانهای شمال شرقی تنزل رتبه یافت ، زیرا در تمام نبردهائیکه تحت فرماندهی اودر استان ” شاندون “ انجام یافتند ، دچار شکست گردیده بود .

۶ - این مربوط به ” دستوراتی درباره مسئله ارضی “ است که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در چهارم ماه مه ۱۹۴۶ انتشار یافته است .

۷ - کنفرانس ارضی سرتاسری کشور حزب کمونیست چین در سپتامبر ۱۹۴۷ در دهکده ” سی بای پو “ واقع در شهرستان ” پین شان “ (از استان ” خه به “) تشکیل گردید . « برنامه قانون ارضی چین » که در در تاریخ ۱۳ سپتامبر بتصویب کنفرانس رسیده بود ، از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ انتشار یافت . در این قانون مواد ذیل قید شده است :

” الغاء سیستم استثماری فتودالی ونیمه فتودالی ارضی واستقرار سیستم زمین برای کشت کاران “ ؛ ” مصادره تمام زمینهای مالکین ودولت در روستاها از طرف اتحادیه های دهقانی محل وتقسیم یکسان آنها بضمیمه تمام زمینهای دیگر بین همه اهالی روستاها صرفنظر از جنس وسن آنها “ ؛ ” ضبط حیوانات بارکش ، ابزار کشاورزی ، مساکن ، گندم وبقیه ثروت ودارائی مالکین از طرف اتحادیه های دهقانی دهکده ها ، مصادره مازاد مال وثروت دهقانان مرفه وتقسیم آنها بین دهقانان وسایر مردم فقیر و محتاج وتخصیص سهمیه مساوی به مالکین “ . برنامه قانون ارضی چین اصل ” مصادره زمینهای مالکین وتقسیم آنها بین دهقانان “ را در « دستورات چهارم مه « سال ۱۹۴۶ تأیید میکند وعلاوه براین نقایص موجود در آن دستورات را دایربر توجه زیاد از حد به بعضی از مالکین ، اصلاح مینماید .

۸ - در عمل تغییرات چندی در طرز تقسیم یکسان زمین طبق « برنامه قانون ارضی چین « صورت گرفت . در فوریه ۱۹۴۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در « دستورات درباره اجرای اصلاحات ارضی واصلاح سبک کار حزب در مناطق قدیمی ومناطقى که بتازگی

آزاد شده‌اند» تصریح نمود که در این مناطق که سیستم فئودالی دیگر واژگون گردیده است، احتیاجی به تقسیم مجدد زمین نیست، بلکه در صورت لزوم باید به دهقانان فقیر و کارگران روستائی که هنوز بطور کامل از قید یوغ فئودالی خلاص نشده‌اند، مقداری زمین و سایر وسایل تولید داده شود که از محل ضبط زمین و وسایل تولید اضافی و یا مرغوب‌تر دیگران تأمین میشود. بعلاوه باید به دهقانان میانه حال اجازه مالکیت زمین بیشتری از آنچه دهقانان فقیر بطور متوسط دارا هستند، داده شود. در مناطقی که سیستم فئودالی هنوز موجود است، تقسیم یکسان بطور عمده به زمینها و دارائی و ثروت مالکین و مازاد زمینها و ثروت دهقانان مرفه قدیمی محدود میشود. در تمام این مناطق مصادره مازاد زمین دهقانان میانه حال و دهقانان مرفه نوین بمنظور تنظیم تقسیم یکسان تنها در صورت لزوم و با موافقت صاحب ملک انجام می‌یابد. در جریان اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده از دهقانان میانه حال زمینی گرفته نمیشود.

۹ - مسئله دهقانان مرفه در جریان اصلاحات ارضی مسئله ویژه‌ای بود که از شرایط مشخص تاریخی و اقتصادی چین سرچشمه میگرفت. دهقانان مرفه چین ازدو جنبه با دهقانان مرفه بسیاری از کشورهای سرمایه داری متفاوتند: آنها بطور کلی وباندازه زیاد دارای

خصلت استثماری فتودالی و نیمه فتودالی بودند و بعلاوه
 این اقتصاد دهقانی مرفه در اقتصاد کشاورزی کشور
 موضع چندان مهمی را اشغال نمیکرد. دهقانان فقیر
 و کارگران روستائی در مبارزه علیه استثمار فتودالی
 طبقه مالکین چین درخواست برانداختن استثمار
 فتودالی و نیمه فتودالی دهقانان مرفه را داشتند. سیاست
 حزب کمونیست چین در طول جنگ آزادیبخش
 عبارت بود از مصادره مازاد زمین و ثروت دهقانان مرفه
 برای تقسیم بین دهقانان بمنظور تأمین خواست توده‌های
 دهقانان فقیر و کارگران روستائی. و این خود
 وسیله‌ای بود که پیروزی در جنگ آزادیبخش را
 تضمین میکرد. در ماه فوریه سال ۱۹۴۸، وقتی که
 مبارزه به فرجام ظفرنمون خود نزدیک میشد، کمیته
 مرکزی حزب کمونیست چین رهنمودهای نوینی برای
 اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده اتخاذ کرد که
 میبایستی در دو مرحله اجرا شوند: مرحله اول
 دهقانان مرفه را بیطرف میساخت و ضربه اصلی را بر
 مالکین و بخصوص بر مالکین بزرگ متمرکز میساخت؛
 در مرحله دوم زمینهای مالکین و همینطور زمینهای که
 دهقانان مرفه اجاره میکردند و مازاد زمینهای آنها
 تقسیم میشد، ولی در این مرحله نیز طرز برخورد با
 دهقانان مرفه با مالکین تفاوت داشت. (مراجعه
 شود به «آثار منتخب مائوتسه دون»، جلد چهارم،

بزبان چینی ، « نکات مهم در باره اصلاحات ارضی مناطق تازه آزاد شده » (. پس از تشکیل جمهوری توده‌ای چین ، دولت توده‌ای مرکزی در ماه ژوئن سال ۱۹۵۰ قانونی درباره اصلاحات ارضی بتصویب رسانید که در آن تصریح میشود تنها زمینهایی که دهقانان مرفه در اجاره دارند ، بطور قسمتی و یا کاملاً مصادره میشوند ، در حالیکه از بقیه املاک و ثروت آنان محافظت خواهد شد . در مرحله آتی انقلاب سوسیالیستی اقتصاد دهقانی مرفه با تعمیق جنبش برای کثوپراتیوه کردن اقتصاد کشاورزی و رشد اقتصادی روستائی از میان رفت .

۱۰ - این بمعنای آنستکه کمیت و کیفیت زمینهای يك خانواده دهقان مرفه بطور متوسط بیشتر و بهتر از يك خانواده دهقان فقیر بوده است . در مقیاس کشوری مالکیت بر وسایل تولید از طرف دهقانان مرفه و کمیت تولیدات کشاورزی آنها ناچیز بود . اقتصاد دهقانی مرفه موضع مهمی در اقتصاد کشاورزی چین اشغال نمیکرد .

۱۱ - مقصود جنبش اصلاح سبک کار است که در سالهای ۴۲ - ۱۹۴۳ از طرف حزب کمونیست چین در تمام سازمانهای حزبی بمنظور مبارزه با سوبژیکتیویسم ، سکتاریسم و شماتیسم در کار حزبی برپا گردیده بود . تحت رهبری رفیق مائوتسه دون این جنبش اصلاح

سبك كار چنين اصولى را به ميان كشيد : ” پند گرفتن از اشتباهات گذشته براى اجتناب از اشتباهات آينده “ ، ” مداوا كردن بيمار براى نجات او “ ، ” زدودن اندیشه هاى نادرست براى وحدت با رفيقان “ . اين جنبش با اجراى شيوه انتقاد و انتقاد از خود ريشه هاى ايدئولوژيك بسيارى از اشتباهات ” چپ “ و راست را كه در تاريخ حزب بدفعات ديده شده بودند ، اصلاح نمود و سطح ايدئولوژيك كادرها و اعضاى حزب را بحو فوق العاده اى ارتقاء داد ، بوحدت فكرى حزب براساس ماركسيسم - ليننيسم بى اندازه كمك نمود و بدين ترتيب وحدت سراسرى حزب را فوق العاده استحكام بخشيد .

۱۲ - بعضى از شخصيتهاى دموكراتيك دراويل جنگ آزاديبخش توده اى گمان ميكردند كه ميتوانند بجز ديكتاتورى مالكين بزرگ و بورژوازي بزرگ برهبرى گوميندان و بجز ديكتاتورى دموكراتيك خلق برهبرى حزب كمونيست ، راه باصطلاح سومي بجويند . ولى اين راه در واقع هيچ چيزديگرى بجزراه ديكتاتورى بورژوازي طبق الكوى انگلستان و آمريكا نبود .

۱۳ - در سپتامبر ۱۹۴۷ بوروى اطلاعاتى احزاب كمونيستى و كارگرى در ورشو تشكيل گرديد كه در آن نمايندگان احزاب كمونيستى و كارگرى بلغارستان ، روماني ،

مجارستان ، لهستان ، اتحاد شوروی ، فرانسه ،
چکسلواکی ، ایتالیا و یوگسلاوی شرکت داشتند .
چندی بعد ، در کنفرانسی که در ماه ژوئن ۱۹۴۸
در رومانی تشکیل یافت ، بورو ، حزب کمونیست
یوگسلاوی را که بر نظرات ضدمارکسیستی -لنینیستی
خود پافشاری میکرد و موضع خصمانه‌ای نسبت به
اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی اتخاذ کرده بود ،
اخراج نمود . پیامی که بوروی اطلاعاتی به خلقهای
سراسر جهان جهت مبارزه علیه نقشه‌های اسارت‌آور
امپریالیستی فرستاده بود و در اینجا مورد اشاره رفیق
مائو تسه دون قرار گرفته ، « اعلامیه درباره اوضاع
بین‌المللی » بوده است که از طرف بوروی اطلاعاتی در
نشست سپتامبر ۱۹۴۷ خود بتصویب رسیده است .